

نگاهی به پدیده ارتشاء

حضرت آیت الله جوادی آملی

در شماره پیشین، به گوشه‌ای از فضایل و برکات «نماز» که یکی از برجسته‌ترین معروف‌ها در فرهنگ دین می‌باشد اشاره شد.

در این شماره به بحث اجمالی پیرامون «پدیده ارتشاء» که از نظر قرآن کریم در زمره «منکرات» محسوب می‌شود خواهیم پرداخت.

آلودگی‌های حیوانی یا انسانی را از آن بیرون می‌کشند.

با این تفاوت که مغنیان، کنیف را عاقلانه تطهیر می‌کنند و آلودگی‌های خارج شده از آن را به جای دور دست برده و سپس خود را شستشو می‌کنند. اما شخص راشی (رشوه دهنده) در کنار جان مرتشی (رشوه گیرنده) که به منزله چاهی است ایستاده و با دلو و طناب، از درون جان قاضی مرتشی دلولی پر از لجن بیرون می‌کشد و همه آن را به سر و صورت خود و او می‌مالد که این تباهی و آلودگی، دامن هر دوی آنها را می‌گیرد.

این که گفته‌اند: «عده‌ای در قیامت متعفن محشور می‌شوند» به معنای آن نیست که در ظرف قیامت بدبو می‌شوند بلکه این بوی بد را از دنیا با خود به همراه می‌برند و در قیامت که روز ظهور ضمیر و بروز سرائر است: «یوم تبلی السرائر» (طارق / ۹) این تعفن پنهان، آشکار شده و آنها را مفتضح و رسوا می‌کند و این رسوایی، بدتر از عذاب جهنم وسخت‌تر سوختن جسم و جسد انسان تبهکار است: «ربنا انک من تدخل النار فقد أختیته»

۲- «ادلاء» که مصدر فعل مجزوم به نهی (تدلوا) است، به معنای فرستادن دَلْو به درون چاه برای کشیدن آب از آن می‌باشد.

این آیه می‌فرماید یکی از موارد تصرف باطل در مال، آن است که شما مالی را به حاکمان بدهید تا از رهگذر اعطای آن، حقی را باطل یا باطلی را حق کنید و حقی را که متعلق به دیگران است به خود اختصاص دهید.

این که از دادن مال به حکام به عنوان «رشوه» (برای آن که مطابق اراده رشوه دهنده و مطلوب او حکم کنند) به «دلو اندازی» تعبیر فرمود، از لطایف قرآن کریم است.

معلوم می‌شود گیرنده رشوه (مثلاً قاضی یا هر مسؤول) که مال بیگانه‌ای را برای ابطال حق یا احقاق باطل به تباهی دریافت می‌کند، جان او مانند یک چاه و گودال زیرزمینی مملو از لجن است و دهنده رشوه که در کنار دهنه چاه مرتشی ایستاده، دلولی به درون این چاه می‌اندازد تا از داخل آن، یک دلو لجن بیرون بکشد؛ دقیقاً همان کاری که مغنیان (افرادی که تخلیه چاه انجام می‌دهند) می‌کنند که برای تطهیر کنیف، با دلو اندازی به درون آن، فاضلاب و

قال الله سبحانه و تعالی: «و لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل و تدلوا بها الی الحکام لتأکلوا فریقاً من اموال الناس بالاثم و اثم تعلمون» (بقره / ۱۸۸)

اموال خود را در میان خویش به شیوه باطل که خارج از محور دین و قانون الهی است مصرف نکنید و آنها را عمداً به قاضیان و حاکمان ندهید تا از رهگذر این کار حرام، پاره‌ای از اموال و حقوق دیگران را به گناه به چنگ آورید در حالی که خود می‌دانید.

قبل از بیان شرح کوتاهی از آیه، ذکر دو نکته لازم است:

۱- منظور از «اکل مال» در این آیه کریمه اخذ مال یا مطلق تصرف در آن است. و چون «اکل» به معنای خوردن، نزدیکترین افعال طبیعی انسان است که وی به انجام آن برای حفظ حیات خود نیازمند می‌باشد از این جهت وقتی کسی در مال مردم تصرف و آن را غصب کرد، از آن به «اکل» تعبیر می‌کنند و می‌گویند «مال مردم را خورد» هر چند آن مال، خوراکی نباشد.

بنابراین، آیه شریفه از تصرف مردم در اموال یکدیگر به روش باطل، نهی می‌کند.

این تجلیل، هیچ اعتنایی نکرد و وقعی ننهاده، از عقوبت حرمت پذیرش رشوه محفوظ است گرچه فرد راشی به فعل حرام تن در داده است. بنابراین، رشوه اختصاص به مسایل مادی ندارد و امور معنوی را نیز شامل خواهد شد.

این که می‌گویند صراط مستقیم از مو باریکتر و از شمشیر تیزتر است: «أدق من الشعر وأحد من السیف» برای آن است که قبل از انجام هر کار و پذیرش هر سمت و قبول هر شغلی، فهم دقیق و عمیق و ظریف که بدان «فقه» می‌گویند لازم است. اگر کسی به این معارف دقیق و عمیق آشنا و اهل موشکافی نباشد ممکن است پایش بلغزد و خود نداند که به کدام دام افتاده و گرفتار شده است.

لذا امیرالمؤمنین (علیه أفضل صلوات المصلین) فرموده‌اند: «الفقه ثم التجارة الفقه ثم القضاة، الفقه ثم السياسة، الفقه ثم الوكالة، الفقه ثم العبادة...» بنابراین «فقه» مقدم بر هر کاری است که انسان می‌خواهد به انجام آن اقدام کند تا غافلانه دچار لغزش و اشتباه نشود و همواره از آسیب آن مصون باشد.

و چون تشخیص «هدیه» که قبول آن حلال است از «رشوه» که پذیرش آن حرام می‌باشد، برای کسی که مسئولیتی به عهده دارد، نیازمند فهم دقیق مسأله و عمل بدان پس از فهم است و کار مشکلی به شمار می‌رود، لذا مصداق بارز این حدیث شریف خواهد بود که «تشخیص صراط مستقیم از مو باریکتر و حرکت بر بستر آن از حرکت بر لبه شمشیر تیز سخت‌تر است.»

امید است آحاد جامعه اسلامی مخصوصاً کارگزاران نظام، از همه محرّمات الهی مخصوصاً انواع رشاء و ارتشاء در امان باشند تا برکات الهی همواره بر جامعه اسلامی نازل گردد.

والحمد لله رب العالمین.

بنابراین هم فرد راشی و هم شخص مرتشی هر دو بدبو هستند هرچند فعلاً در دنیا روی آن سرپوش گذاشته شده.

اما نکته مهمی که عنایت به آن لازم می‌باشد آن است که: آیا رشوه، تنها در خصوص مسایل مالی مطرح است یا امور معنوی را نیز زیر پوشش خود می‌گیرد و مایه حرمت آن خواهد بود؟

گرچه این آیه کریمه (بقره / ۱۸۸) درباره مسایل مالی می‌باشد، اما بحث فقهی پیرامون آن مطلق است. لذا فقیه نامور مرحوم آیت الله سیدمحمد کاظم یزدی (رضوان الله تعالی علیه) در «ملحقات عروة الوثقی» دو وجه برای رشوه ذکر فرموده‌اند که هر کدام قائلانی دارد، آنگاه قول به حرمت رشوه در امور معنوی علاوه بر امور مادی را «اقوی» دانسته‌اند.

بنابراین، اگر کسی قبل از دست یافتن به سیمت قضاء و دریافت ورق ابلاغیه قضاوت، چندان مورد احترام نبود و پس از آن، به خاطر طمع رفع مشکلات گذشته یا آینده و احقاق حق یا ابطال باطل، از سوی افرادی مورد احترام واقع شد (نه برای این که قاضی عادل است و امر قضاوت را به عنوان واجب کفایی عهده دار شده و خود را بین دو لبه جهنم قرار داده و با قضاوت عادلانه حفظ کرده تا از این حیث، شایسته احترام باشد و حرمت نهادن به او «عبادت» محسوب گردد) و او نیز که اسیر وهم و در بند خیال است، این احترام زائد را - که پیش از پذیرش سمت قضاوت دارا نبود و پس از عزل یا بازنشستگی نیز دارا نخواهد بود - تحویل گرفت و به حساب آورد، از آن لذت برد و بدان خرسند شد و فخرفروشی نمود «مرتشی» است.

چه این که افرادی که آن احترام را نسبت به او روا داشتند، «راشی» خواهند بود. البته اگر او با تقوی و منزّه از معصیت بود و به

هر کار خیری که از انسان صادر می‌شود مثل آن است که باغ منزل خود را با شجره طوبی و درخت طیب مشجر کرده و نهالی بارور غرس نموده و گل‌هایی معطر رویانده که دیگران از سایه درختان و عطر گل‌ها و میوه خوراکی آن استفاده می‌کنند، چه این که هر کار شری که از انسان سر می‌زند مانند آن است که در درون خویش چاهی عمیق (که نتیجه آن «ویل جهنم» است) حفر می‌کند که عابران از بوی آن در عذاب‌اند.

مرحوم کلینی (رضوان الله تعالی علیه) نقل می‌کند که راوی از امام معصوم (علیه السلام) پرسید: فرشتگان که مأمور ضبط و کتابت اعمال ما هستند، از نیت‌های پنهان و خاطرات درونی و اراده‌های نهانی ما که هنوز طبق آنها کاری انجام نداده‌ایم چگونه مطلع می‌شوند تا آنها را ضبط و یادداشت کنند؟

امام (علیه السلام) در پاسخ فرمود: آیا بوی کنیف با بوی روضه یکسان است؟ عرض کرد: خیر.

فرمود: مگر این چنین نیست که وقتی شما از جایی عبور کردید و بوی خوب به مشامتان رسید می‌فهمید که از کنار باغ گذشته‌اید و اگر بوی بد به شامه شما رسید درمی‌یابید که از کنار چاه و فاضلاب عبور کرده‌اید؟

ملائکه الهی نیز، وقتی بوی بد به مشامشان برسد می‌فهمند که درون این شخص، لبریز از آلودگی است و دل او به سان یک چاه بد بوست و هنگامی که بوی خوب را استشمام کنند درمی‌یابند که آن شخص، در درون خود روضه‌ای از ریاض بهشت فراهم کرده و جان وی چونان بوستانی پر بار و ثمربخش است.

حدوث این امر در دنیاست و ظهور آن در قیامت است؛ در آن روز معلوم می‌گردد در نهان و نهاد افراد چه بوده است؟ گلخانه